

▼ افزایش تنش، افزایش نقش آفرینی آمریکا

هر چه تنش آمریکا و ایران بیشتر شود، بازی آمریکا در خاور میانه و حتی شاید در قفقاز نیز گسترده‌تر می‌شود و این طبعاً برای رقیب آمریکا، خوشایند نیست. به‌خصوص اگر ماجرا به درگیری دوباره نظامی برسد، این به معنای افزایش حضور نظامی و افزایش استفاده آمریکا از پایگاه‌های نظامی خود، در میان کشورهایی در نزدیکی روسیه باشد. همین می‌تواند ظرفیت افزایش تهدید برای مسکو را داشته باشد.

هر چه فرصت، امکان و توان نقش آفرینی ایران در منطقه کمتر شود، به این معنا خواهد بود که راه برای ایالات متحده هموارتر می‌شود تا نظم مطلوب و معماری امنیتی مدنظر خود را در منطقه حاکم کند، در حالی که یکی از موانع جدی در این زمینه کم شده است و این، علاوه‌بر تقویت موضع رقیب، جایگاه روسیه به عنوان وزنه توازن متقابل در منطقه را نیز تهدید می‌کند. اتفاقاتی که در ماه‌ها و سال‌های اخیر در منطقه، مثلاً در لبنان یا سوریه افتاده‌اند، بیش از هر چیز در راستای آسیب به عرصه‌های نفوذ ایران بوده‌اند، اما در این عرصه‌ها، طرفی که فرصت بیشتری برای بهره‌مندی از این وضعیت می‌بیند، ایالات متحده است و این هم باز، برای روسیه خوشایند نخواهد بود. از جایی به بعد، روسیه یا ناچار می‌شود مداخلات نظامی، مالی و سیاسی خود را در منطقه به شکل قابل توجهی افزایش دهد، یا اساساً سیاست و راهبرد کلان خود در قبال خاورمیانه را تحت بازنگری قرار دهد و پایه و اساس آن را پذیرش نظامی با رهبری کامل ایالات متحده قرار دهد. در صحنه قفقاز و در ماجرای روابط جمهوری آذربایجان و ارمنستان، به نظر رسید روسیه چندان دست باز یا لاقل تمایل به ریسک لازم برای تقابل در این سطح را ندارد و به همین مناسبت، اجبار به انتخاب بین این دو گزینه را نخواهد پسندید. در همین عرصه نیز، تحدید ایران با کاهش نفوذ روسیه همزمان و هم‌راستا بود.

این نکته سال‌هاست از زبان دوست و دشمن تکرار می‌شود که جنگ ایران و ایالات متحده، با دیگر مداخلات آمریکا در منطقه تفاوت خواهد داشت. امکانات ایران برای چنین تقابلی، البته کم شده‌اند اما از بین نرفته‌اند. فعلاً به نظر می‌رسد اگر بناسد درگیری نظامی تازه‌ای در منطقه کلید بخورد، احتمال اینکه یک طرف آن اسرائیل باشد بیشتر باشد تا ایالات متحده؛ اما نزدیکی و رابطه خاص اسرائیل و آمریکا تا حدی است که بخش عمده آنچه در سناریوها دیده می‌شود، کم‌وبیش بکسان خواهد بود، به‌خصوص که تقریباً به صورت قطعی آمریکا، حداقل در جنبه تأمین تسلیحات و تجهیزات و کمک‌های دفاعی به اسرائیل، در صحنه این درگیری هم حضور داشته باشد. جنگ ۱۲ روزه اخیر، بسیار محدودتر از آن چیزی بود که ممکن است در درگیری تمام‌عیار بین ایران و اسرائیل رخ دهد و در صورتی که ماجرا از سر گرفته شود، احتمال زیادی وجود دارد که ابعاد ماجرا گسترده‌تر باشد.

▼ جایی میان دو کرانه

از برآیند این وضعیت، چیزی شبیه به همانی برمی‌آید که پیش از این هم درباره وضعیت روابط روسیه با ایران گفته شده است. تقابل غرب با ایران، تا وقتی که شدت آن از حدی فراتر نرفته باشد، می‌تواند فرصت‌ها و امکاناتی برای روسیه ایجاد کند که هم در رابطه‌اش با ایران، هم در تقابلی با ایالات متحده و بلکه اروپا از آن‌ها استفاده کند. هم‌زمان و به‌خصوص اگر تنش‌ها بیش از حد بالا رود یا تبدیل به کارزاری نظامی با همه پیش‌بینی‌ناپذیری‌هایش شود، تهدیدهایی برای روسیه نیز ایجاد می‌شوند. این مسئله به‌خصوص درباره وضعیت درگیری نظامی صادق است.

می‌توان ادعا کرد راهبرد سیاست خارجی روسیه در قبال خاورمیانه، صرفاً با شرایطی سازگار است که در آن هیچ طرفی آنقدر قدرتمند نشود که بتواند به صحنه تسلط پیدا کند. در چنین توزیع قدرتی، مسکو می‌تواند شراکت‌ها و روابطی هم‌زمان با طرف‌های مختلف و رقبای منطقه‌ای داشته باشد، چنان که هم‌اکنون نیز دارد و حتی می‌تواند گاهی خود را در جایگاه واسطه و میانجی نیز ببیند. هر کدام از طرف‌ها این را می‌بینند که اگر بین خود و مسکو چالش بیافرینند، روسیه می‌تواند به رقیب، کمکی بیشتر ارائه دهد و این خود یکی از انگیزه‌های بازیگران منطقه‌ای برای تنظیم روابط خود، با این قدرت جهانی است.

توانایی حفظ این رویکرد، اتکالی اساسی به این دارد که وضعیت تغییر نکند، یا به تعبیر دقیق‌تر، بیش از این تغییر نکند. فقدان هژمون منطقه‌ای یا یک‌دستی جریان‌های قدرت و به جای آن، حضور چندین قدرت منطقه‌ای که ظرفیت رقابت با هم را داشته باشند، بدون اینکه بتوانند همدیگر را حذف کنند. این وضعیت بهترین حالت برای روسیه در خاورمیانه است. در بحث تنش‌های غرب با ایران، ترجمه این سناریوی مطلوب، کم‌وبیش حفظ وضعیت فعلی خواهد بود، گرچه این سطح از تنش نیز ممکن است ناپایدار باشد و از این رو، احتمالاً در این مقطع، کمی کاهش حرارت در منطقه خیال مسکو را راحت‌تر کند. هر گونه تکانه جدی که با درگیری طرف‌های غربی با ایران ممکن است ایجاد شود، عدم قطعیت را در منطقه، در تعادل قدرت آن و در پویه‌شناسی آینده کوتاه‌مدت و بلندمدتش، بسیار بالا می‌برد و شواهد رویکردهای روسیه نشان می‌دهد، مسکو این را نخواهد پسندید.

ترامپ درباره آن با هم مواجه شوند و این عرصه دیگری برای نمود این تعامل کم‌سابقه بین این دوره‌بر شود.

▼ هزینه‌های تنش

اما به‌هیچ‌وجه این‌طور نیست که این تنش‌ها برای روسیه تماماً سود باشد. از زاویه‌ای دیگر می‌توان گفت، همه این مزایا، در صورتی که از حدی بیشتر شوند، می‌توانند به دردسر و وضعیتی نامطلوب برای روسیه تبدیل شوند. مشغولیت آمریکا در منطقه، هم‌زمان به معنای حضور و نقش آفرینی جدی او در این عرصه نیز هست. این حضور احتمالاً با تلاش واشنگتن برای کاهش فرصت‌های تعامل و تبادل پایتخت با روسیه نیز همراه باشد و هم‌زمان همین رابطه‌ای که می‌تواند به عنوان اهرمی به کار مسکو بیاید، در صورتی که بحران از حدی فراتر رود، می‌تواند برای مسکو هزینه‌آفرینی نیز داشته باشد. به عبارتی، گرچه موقعیت فعلی ایران، این کشور را در وضعیت رابطه‌ای خاص با مسکو قرار داده است، همین رابطه خاص باعث می‌شود تشدید این وضعیت بتواند ویژگی‌های نامطلوبی هم برای روسیه داشته باشد.

▼ در‌در برای شریک منطقه‌ای

تقابل ایران با غرب هم‌زمان به این معناست که تهران، فعلاً تنها پایتخت منطقه است که در جدال مسکو و واشنگتن، فقط با یکی رابطه دارد. هر چه فشار بر ایران بیشتر باشد، هر چه منابع ایران محدودتر باشد و هر چه در‌درس‌های ایران بیشتر بالا بگیرد، یکی از فرصت‌های بهره‌برداری روسیه در صحنه سیاست خارجی، محدودتر خواهد شد. هیچ کشوری البته خود را برای دیگری هزینه نمی‌کند؛ اما به هر حال، روسیه احتمالاً مایل نباشد که شریکش در جنوب خزر، تماماً در مقابل دیگران دست‌بسته شود و در صورتی که فشارها از حدی بیشتر شوند، این امکان هست که هزینه‌ای برای برقراری توازن به روسیه نیز تحمیل شود. از نوع تعامل تهران و مسکو در سال‌های اخیر و مشخصاً بعد از کلیدخوردن جنگ اوکراین می‌شود نتیجه گرفت که تهران، در محدوده امکانات خود، در کم‌شدن بار در‌درس‌های روسیه تلاش‌هایی کرده‌است. تضعیف تهران یا گرفتارکردنش در درگیری بیشتر، می‌تواند امکان این نقش آفرینی را از ایران بگیرد یا دست کم، کاهش دهد.

این تصویر را به‌خصوص باید از این لحاظ دید که صحنه منطقه در سال‌های اخیر، بیشتر در جهت ترجیحات غرب و کمتر در راستای مطلوبات روسیه پیش رفته است. سوریه، یک متحد مهم، با سقوط رژیم بشار اسد، کاملاً متحول شده است. مسکو البته از همین حالا در مسیر برقراری و تنظیم روابط خود با رژیم تازه سوریه هست اما به هر حال، حکومت فعلی سوریه، لاقلاً فعلاً با خیلی از دشمنان و رقبای سوریه دوران اسد، درگیری و تنش ندارد و بلکه به آن‌ها نزدیک است. دول عرب منطقه، همواره رابطه نزدیکی با آمریکا داشته‌اند. مسئله پیمان‌های ابراهیمی از سویی، تبعات درگیری ایران و اسرائیل و نقش آفرینی آمریکا برای پایان آن از سوی دیگر و حضور فعال واشنگتن در تعیین مسیر جنگ‌های اسرائیل در منطقه، تعامل این بازیگران با طرف غربی را بیشتر هم کرده‌است. درگیری جمهوری آذربایجان و ارمنستان، محملی برای افزایش نقش آفرینی آمریکا در قفقاز نیز شد و دو همسایه، دو جمهوری سابق شوروی را در کاخ سفید در کنار هم نشانند. ترکیه نیز از ماجرای گذرگاه زنگور بهره برد. در چنین شرایطی، این تهران است که موقعیتی متفاوت دارد و همچنان برای روسیه جایگاه جدی‌تری قائل است. درست است که اصل این وضعیت، می‌تواند امتیازی برای روسیه باشد اما در عین حال، تضعیف بیش از حد تهران، یا درگیرشدن در جنگی گسترده با هزینه‌ها و آسیب‌هایش، مضراتی برای کرملین نیز خواهد داشت. این مسئله نیز قابل توجه است که ایران به هر حال، هم مشتری صنعت هسته‌ای روسیه است و هم تجهیزات نظامی روسیه. مسکو البته در برآورده کردن هر دوی این خواسته تهران، هرگز عجله‌ای از خود نشان نداده‌است اما ایران همچنان، به‌خصوص در شرایط محدودیت، پیگیر این خواسته‌هاست و همین اخیراً قرارداد تازه‌ای برای احداث چند نیروگاه هسته‌ای در ایران، بین تهران و مسکو منعقد شد. هر چه ایران در موقعیت سخت‌تری قرار گیرد، هر چه منابعش محدودتر شود و هر چه در صورت وقوع درگیری نظامی، آسیب‌های بیشتری ببیند، چشم‌انداز چنین تعاملاتی هم می‌تواند محدودتر شود.

در سناریویی که تنش‌ها شکل درگیری نظامی به خود بگیرد، یک چالش دیگر نیز پیش روی مسکو قرار خواهد گرفت: اگر مسکو تصمیم بگیرد در حمایت از ایران، وارد معرکه نشود، با چالش‌ها، هزینه‌ها، در‌درس‌ها و خطرهای بازکردن جبهه جنگی دیگر در مقابل دشمنی کم‌وبیش یکسان، مواجه خواهد شد؛ اما اگر در محاسبه خود به این نتیجه برسد که بهتر است مداخله حداقلی داشته باشد یا حتی صرفاً به موضع‌گیری سیاسی اکتفا کند، سابقه‌ای ناخوشایند از خود به جا می‌گذارد که ممکن است برای دیگر متحدان حال و آینده روسیه، اهمیت داشته باشد. این تصویر، چندان تصویر مطلوبی برای یک قدرت بزرگ جهانی نیست که متحدهی در همسایگی‌اش هدف حمله‌ای ادامه‌دار قرار گیرد و آن قدرت جهانی صرفاً نظاره‌گر ماجرا باشد. این در باقی روابط روسیه هزینه خواهد آفرید.



مایل به پایان‌یافتن درگیری و صلح هستند. تنش غرب با ایران، هم‌زمان با درگیری‌اش با روسیه، می‌تواند رابطه با تهران را به اهرمی برای مسکو نیز تبدیل کند. روسیه به این ترتیب می‌تواند با مانع آفرینی در مسیر اعمال فشارها بر ایران، خود فشاری به غرب بیاورد و به این ترتیب امتیازی دیگر در این تقابل بیابد، چه در عرصه درگیری و چه در حالت مذاکره. روسیه می‌تواند هم از ایران در عرصه درگیری کمک بگیرد و هم با کمک به ایران، بازی طرف مقابل را تضعیف کند. در عین حال، رقبای ایران در منطقه نیز در چنین حالتی به دنبال جلب نظر روسیه باشند. اسرائیل، دول عرب منطقه و ترکیه، همه با کم‌وبیش، متحدان ایالات متحده هستند و نقش آفرینی روسیه در جهت حمایت از رقیب آن‌ها، یعنی ایران می‌تواند این امکان را برای مسکو ایجاد کند که بر تصمیمات آن‌ها در جهت خواسته‌های ایالات متحده و غرب، اثر بگذارد. باز در این مسئله نیز، هر چه تنش بالاتر رود، امکان استفاده از این اهرم‌ها برای مسکو بیشتر می‌شود. واشنگتن در صورتی که درگیری با ایران بالا رود، قطعاً ترجیح خواهد داد روسیه یا در جهت حمایت از ایران اقدام نکند یا این اقدامات را محدود نگه دارد. این می‌تواند به تبادل امتیازی بین مسکو و واشنگتن ترجمه شود. روسیه حتی ممکن است با حرکتی مطلوب حریفش بتواند بخشی از تنش‌ها و در‌درس‌های خود با غرب را تسکین دهد.

نکته دیگر در این میان، اختلافات بالقوه و بالفعل بین ایالات متحده و اروپا، مشخصاً در دوره ترامپ است. ترامپ در مسائل مختلف بین‌المللی، به‌خلاف الگوی رابطه نزدیک و معمول بین آمریکا و اروپا عمل کرده است. مشخصاً در موضوع اوکراین، البته چالش بر سر این است که اروپا اهمیت بسیار بیشتری برای حمایت از اوکراین قائل است و در طرف مقابل، ترامپ، رویکرد دمدمی‌مزاجی نسبت به اوکراین نشان داده و البته اغلب، نسبت به کی‌یف و شخص ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور این کشور، رفتاری تقریباً خصمانه داشته است. همین حالا و در صحنه اوکراین این احتمال وجود دارد که ایالات متحده بتواند در مسیری با روسیه پیش برود که چندان مطلوب اروپایی‌ها نباشد. چه آن که او صراحتاً نیز اعلام کرده چه امتیازاتی، مشخصاً در حوزه سرزمینی حاضر است به روسیه بدهد و این امتیازات هم اغلب به مذاق اروپایی‌ها خوش نمی‌آیند. اگر با افزایش تنش‌ها حول ایران، جبهه تازه‌ای باز شود که آمریکا یک سمت و روسیه سمت دیگر آن باشد، فرصت دیگری ایجاد می‌شود که مسکو و واشنگتن، با الگوی خاص ولادیمیر پوتین و دونالد

دیپلمات‌ها



تاز یاده خواهی می کنند مذاکره نمی کنیم

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه گفت: «تازمانی که آمریکایی‌ها سیاست زیاده‌خواهانه و حداکثری خود را کنار نگذارند و تقاضاهای غیرمعقول از ما داشته باشند به میز مذاکره باز نمی‌گردیم.»

وزیر امور خارجه که روز چهارشنبه برای شرکت در همایش منطقه‌ای دیپلماسی استانی به مشهد سفر کرده بود در بدو ورود به فرودگاه شهید هاشمی‌نژاد در گفت‌وگو با خبرنگاران افزود: «مذاکرانی که قبلاً با آمریکایی‌ها در جریان بود و همچنین مذاکرات نیویورک، به دلیل زیاده‌خواهی طرف آمریکایی متوقف شد و پیش نرفت.» وی اضافه کرد: «آقای ویتکاف از طریق واسطه‌ها، تماس‌هایی را برقرار و پیام‌هایی را ارسال می‌کند؛ جمهوری اسلامی ایران البته اهل صلح و دیپلماسی است.»

وزیر امور خارجه گفت: «ما نشان داده‌ایم که همواره پایبند به راه‌حل‌های دیپلماتیک هستیم اما این به معنی گذشتن از حقوق مردم ایران نیست هر کجا که منافع مردم ایران و مصالح عالی کشور از طریق دیپلماسی تامین شود، ما اقدام کرده‌ایم اما با کسانی مواجه هستیم که هیچ‌گاه به دیپلماسی پایبند نبوده‌اند.»

عراقچی افزود: «فارغ از تجارب گذشته، امسال پنج دور مذاکره برگزار و حین مذاکره به ایران حمله شد و آمریکا نیز از این حمله حمایت کرد.» وی ادامه داد: «همچنین در نیویورک زمینه مذاکراتی برای یافتن یک راه‌حل معقول و مبتنی بر منافع متقابل وجود داشت که باز با درخواست‌های زیاده‌خواهانه طرف آمریکایی این مذاکرات نیز به سرانجام نرسید.»

وزیر امور خارجه گفت: «تا زمانی که این روحیه و رویکرد و تجربیات تلخ در مذاکره با آمریکایی‌ها وجود دارد، طبیعی است که امکان ورود مجدد به مذاکرات وجود ندارد، مگر اینکه رویکرد آمریکایی‌ها تغییر پیدا کند و آن‌ها قبول کنند مذاکرات بر اساس احترام متقابل و از مواضع برابر باشد.»

عراقچی افزود: «آن‌ها مسیرهای دیگر را امتحان کرده و نتیجه نگرفته‌اند و اگر دوباره به همین روند ادامه دهند باز هم به نتیجه نخواهند رسید.» وزیر امور خارجه همچنین گفت: «همسایگان ما در زمان تحریم‌ها نقش کلیدی و مهمی دارند به نحوی که شاید تجارت ما با برخی کشورهای همسایه از مجموع تجارت کشور با مجموعه کشورهای اروپایی بیشتر باشد.»



معافیت ۸۷ درصدی روسیه از تعرفه

سفیر ایران در روسیه گفت: «۸۷ درصد تجارت کشورمان با روسیه از تعرفه‌های تجاری دوجانبه خارج شده است.» کاظم جلالی به روند رو به رشد تبادلات تجاری میان دو کشور اشاره کرد و گفت: «در حالی که در سال ۲۰۲۳ میزان تبادلات تجاری ۲ کشور ۶۵۰ میلیون دلار بود، این رقم در سال میلادی گذشته به یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار افزایش یافت.» وی پیش‌بینی کرد تا پایان سال ۲۰۲۵ این رقم با تداوم رشد به سه میلیارد دلار برسد. سفیر ایران در روسیه به موافقت‌نامه تجارت آزاد بین ایران و کشورهای اوراسیا از جمله روسیه اشاره کرد و افزود: «این موافقت‌نامه در گذشته تصویب و اجرایی شده و استان‌هایی که ظرفیت بالای اقتصادی دارند می‌توانند در قالب این موافقت‌نامه صادرات خود را به روسیه افزایش دهند.»